

اجیر کردن زنان خیابانی

برای اخادی با الهام از فیلم «تسویه حساب»!

صدی که متهم است با الهام گرفتن از فیلم «تسویه حساب» چهارزن خیابانی را برای اخادی از مردان پولدار اجیر کرده‌بود، سرانجام به دام پلیس افتاد.

به گزارش خبرنگار ما، روزهای پایانی سال گذشته بود که مرد میانسالی به‌اداره پلیس رفتو از مرد مأمور نمایی به‌اتهام اخادی میلیون‌ی شکایت کرد. شاکي در توضیح ماجرا گفت: چند روز قبل با خودرو و شاسی بلندم از بهشت زهرا در حال برگشت به تهران بودم که در میانه راه زن میانسالی به‌پهانه پرسیدن آدرسی برای من دست نگاز داد. وقتی توقف کردم، زن میانسال سوار شد و از من خواست تا او را در یکی از خیابان‌های تهران پیاده کنم که قبول کردم. هنوز مسافت زیادی را طی نکرده بودم که موتورسیکلت مشککی راه مرا سد کرد و با اشاره از من خواست خودروام را متوقف کنم. مرد موتور سوار کارت شناسایی خود را از دور به من نشان داد و خودش را مأمور ادارا گاهی معرفی کرد

گفت‌وگو با سردهم‌باند

خودت را معرفی کن؟

هرمز هستم.

سابقه داری؟

بله. سی‌بار به اتهام کلاهبرداری و سرقت به زندان رفتم‌ام.

متاهلی؟

بله. من تا الان سه بار ازدواج کرده‌ام.

الان با هر سه زنت زندگی می‌کنی؟

نه. زن اولم در حادثه رانندگی فوت کرد. مدتی بعد با زن دیگری ازدواج کردم. او خیلی با کلاس بود و دوست داشت ادامه تحصیل بدهد، اما من مخالف ادامه تحصیل

و دانشگاه بودم که از من جداشد. بعد از آن بازن دیگری ازدواج کردم که الان در اصفهان زندگی می‌کند.

پس در تهران مجرودی زندگی می‌کردی؟

بله. به خاطر کارم مجبور بودم از همسر دور باشم.

چه کاری؟

همین اخادی و پلیس بازی.

چه شد که تصمیم گرفتی به این شیوه از افراد پولدار اخادی کنی؟

من قبلاً سرقت می‌کردم، اما چند سال قبل بعد از اینکه پلیس سینمایی «تسویه حساب» دیدم، این شیوه را

حجرات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۳۵



را به‌پهانه پرسیدن آدرس سوار خودروهای مدل بالا و

چقدر در این مدت اخادی کردیدی؟

دقیق نمی‌دانم. پول زیادی نبود.

اما در یکی از حساب‌های بانکی‌ات بیش

از ۳۰۰ میلیون تومان پول که معلوم‌است

درآمد خوبی داشتی؟

سکوت می‌کنم.

چطور طعمه‌ها را انتخاب می‌کردیدی؟

معمولاً مناطق همان فیلم سینمایی «تسویه حساب» نقش اجرا می‌کردیم. همدستانم در تیم‌های دو نفره و گاهی هم یک نفره داخل خیابان‌ها می‌ایستادند و

برای اخادی انتخاب کردم. در آن فیلم چهار زن پس از آزادی از زندان خانه‌مجردی اجاره کردند و مردان پولدار را به خانه‌شان می‌کشاندند و از آنها اخادی می‌کردند.

چطور با این چهار زن آشنا شدی؟
دو نفر از آنها سر چهار راه‌کارا می‌کردند. آنها وضع مالی خوبی نداشتند و وقتی به آنها پیشنهاد دادم پولی خوبی بگیرش‌ان می‌آید، قبول کردند با من همکاری

کنند. یکی دیگر از زنان هم که فریانام دارد، چند سال قبل از شوهرش جداشد. با او داخل ترمینال مسافری بری آشنا شدم و با هم به سرقت می‌رفتم. وقتی نقشه اخادی را برای فریب‌اتوضیح دادم او آخرین عضو این باند

تلاش برای از تقای سطح امنیت و برخورد با معضلات اجتماعی

رئیس پلیس تهران گفت: تمام دغدغه مسئولان ناجا، ارتقای سطح احساس امنیت و برخورد با معضلات و ناامنی‌های اجتماعی است.

سردار حسین رحیمی که

در آستانه برگزاری جشن دهه ولایت در مراسم تکریم خانواده کارکنان پلیس تهران سخن می‌گفت، ادامه داد: از تلاش و همراهی خانواده کارکنان سیاسگاری کم‌کم با همراهی و همدلی خود یار و یاور ما هستند. وی افزود: پلیس به صورت شایسته‌روزی در سطح جامعه حضوری فعال دارد تا مردم در کمال صحت و آرامش بتوانند به زندگی و امور خود بپردازند که با تلاش همسران و فرزندان شما در مجموعه پلیس پایتخت، ما امروز شاهد بازخورد مثبت این موضوع در سطح جامعه هستیم. رئیس پلیس پایتخت با اشاره به اینکه خانواده‌های نیروی‌های نظامی و انتظامی نقش مهمی را در توفیقات کسب‌شده دارند بیان داشت: ما قادران صبر، پامردی، همدلی و همراهی شما خانواده‌های مکرم پلیس هستیم که با حمایت‌های معنوی خود ما را در رسیدن به اهدافمان یاری رساندید. سردار رحیمی خاطر نشان کرد: ما مفتخر به سربازی فرمانده معظم کل قوا حضرت امام خاتمه‌ای(مدظله العالی) و خدمت به مردم شریف ایران زمین هستیم و خدا به خاطر این مهم، شاکر و سیاسگاریزم. وی همچنین با حضور در جمع با کاربران مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ گفت: سامانه فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ یک انقلاب در راستای خدمت‌رسانی سریع به مردم است.

سردار حسین رحیمی ادامه داد: سامانه فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ یک انقلاب در راستای خدمت‌رسانی سریع به مردم است. پلیس ۱۱۰ یک مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ است. از شب و روز بتوانند به راحتی با پلیس در ارتباط باشند. وی افزود: کارشما از حساسیت و اهمیت بالای برخورد با است. از این رو، حتی یک لحظه تعلل، سهل‌انگاری و بی‌توجهی در این مسئولیت ممکن است زندگی انسانی را به مخاطره اندازد.

سردار حسین رحیمی ادامه داد: سامانه فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ یک انقلاب در راستای خدمت‌رسانی سریع به مردم است. پلیس ۱۱۰ یک مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ است. از شب و روز بتوانند به راحتی با پلیس در ارتباط باشند. وی افزود: کارشما از حساسیت و اهمیت بالای برخورد با است. از این رو، حتی یک لحظه تعلل، سهل‌انگاری و بی‌توجهی در این مسئولیت ممکن است زندگی انسانی را به مخاطره اندازد.

اعتماد دختران به پسرری که به آنها وعده از دواج می‌داد فرجامی جز خالی شدن حساب‌های بانکی‌شان نداشت. به گزارش خبرنگار ما، سوم خرداد ماه دختری وارد کلانتری ۱۴۸ انقلاب شد و از خواستگار بازگارش که امیر نام داشت، شکایت کرد. او گفت: دو روز قبل محل کارم را که حوالی میدان انقلاب است، ترک کردم تا به خانه بروم. نزدیک میدان از یک عابر بانک پول گرفتم و به طرف مترو حر حرکت کردم. از کنار باجه متوجه شدم که پسرری قدم به قدم من را دنبال می‌کند. وقتی وارد قطار مترو شدم آن پسر خودش را به من رساند و سر حرف را باز کرد. او با اصرار شماره تماسم را گرفت و برای روز بعد داخل کافی‌شاپی در چهارراه ولی عصر قرار ملاقات گذاشتم. امیر وقتی سر قرار حاضر شد، گفت که به من علاقه‌مند شده و قصدی جز ازدواج ندارد. بعد درباره این موضوع و شرایط کار و زندگی حرف زدیم. من برای این لحظه کیفام را کنار امیر گذاشتم و او را ترک کردم تا دست‌هایم را بشویم. بعد از خارج شدن از کافی‌شاپ شدخافظی کردم. شب که به خانه رفتم، متوجه شدم مدام برایم پیامک برداشت از حساب من‌آید. آنجا بود که متوجه شدم کارت عابر بانکم سرقت شده‌است. شاکي ادامه داد: وقتی به ماجرا فکر کردم،

خالی کردن حساب دختران با وعده ازدواج

فهمیدم که سرقت باید کار امیر باشد. او کنار باجه عابر بانک رمز کارت‌م را نگاه کرده و به خاطر سپرده است. سپس با وعده ازدواج من را فریب داده و زمانی که برای شستن دست‌هایم او را ترک کردم کارت را سرقت و حسابم را خالی کرده‌است. بعد از مطرح شدن شکایت، پرونده به دستور قاضی به پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران فرستاده شد. کارآگاهان با بررسی

حساب مالی شاکي متوجه شدند، محل برداشت پول یک نوبت لباس حوالی میدان ولی عصر است. با به دست آمدن این سرخ بود که مأموران پلیس راهی مغازه شده و بعد از بررسی تصاویر دوربین مداربسته، محل تصویر خریدار لباس را که پسرری جوان بود به دست آوردند که شاکي او را شناسایی کرد. صاحب مغازه گفت که امیر کت‌وشلاری به مبلغ ۳ میلیون تومان خرید و محل را ترک کرد.

به حالی که تحقیقات در جریان بود، شکایت‌های مشابهی به پلیس گزارش شد. کارآگاهان با بررسی شکایت‌ها متوجه شدند که عامل همه سرقت‌ها کسی نیست جز امیر. در حالی که هر روز به تعداد شاکیان اضافه می‌شد، کارآگاهان موفق شدند محل زندگی امیر را که پانسیوسخی حوالی میدان سنتران بود، آنجا بود که متوجه شدم کارت عابر بانکم سرقت شده‌است. بررسی محل تعداد زیادی کارت‌های عابر بانک متعلق



سرهنگ کارآگاه محمد نادریبگی، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت:

متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی در پوشش خواستگاری از دختران اعتراف کرده‌است. وی ادامه داد: دستور انتشار تصویر بدون پوشش متهم از سوی قاضی صادر شده و شاکیان می‌توانند برای طرح شکایت به پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در خیابان خرمشهر، میدان نیلوفر مراجعه کنند.

خواستگار فریبکار به شلاق و تبعید مجازات شد

رادل. من که به او علاقه‌مند شده بودم، تماس گرفتم و باهم قرار گذاشتم. این بهانه‌ای شد تا با هم ارتباط داشته باشیم و بارها باهم بیرون برویم. شاکي در ادامه گفت: «فشین قول ازدواج داده بود به همین خاطر روزی خواست به‌پهانه دیدن مدرش به خانه‌شان در شمال تهران بروم، اما آن روز وقتی وارد خانه شدم او نبود. من آنجا بود که متوجه شدم دروغ گفته‌است. خواستم از خانه بیرون بیایم، اما نتوانستم. بعد از آن بود که افسخین...»

شلاق و یک‌سال تبعید به سیستان و بلوچستان محکوم کرد.

هر گونه جرمی را انکار کرد و گفت شاکي به میل خودش به

خانه ما آمده‌است و رابطه‌مان تنها یک رابطه دوستی بوده

مرگ آتشین زن جوان مقابل چشمان شوهرش

زن جوانی مقابل چشمان شوهرش در

حادثه آتش‌سوزی جان خود را از دست داد.

به گزارش خبرنگار ما، ظهر روز چهارشنبه هشتم شهریور ماه قاضی ایلخانی، باز‌پرس ویژه قتل داسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی کارکنان بیمارستانی از مرگ مشکوک زن جوانی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی راهی بیمارستان شد. تیم جنایی روی تخت بیمارستان با جسد سوخته‌ن ۳۲ساله‌ای به نام شهرنارویبه روپوشه‌ای که بررسی‌های پزشکی در آنجا داشت پیکر نیمه‌جان وی سه روز قبل در حالی که به شدت سوخته بوده، به بیمارستان منتقل شده‌است.

بررسی‌های مأموران نشان داد زن جوان لفظاتی قبل از آتش‌سوزی در خانه‌شمان حوالی تهران‌نوا با شوهرش مشاجره لفظی و درگیر داشته‌است. پس از آن حادثه آتش‌سوزی رخ داده که در جریان آن وی به شدت سوخته و شوهرش هم از ناحیه دست دچار سوختگی شده‌است.

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، صبح دیروز شوهر زن فوت‌شده در حالی که دو دستش باند پیچی شده بود، به داسرای جنایی آمد و مورد بازجویی قرار گرفت.

وی در شرح ماجرا گفت: در دوران نوجوانی معناد

عنکبوت زرد

خودش را به بیماری زد!

مردی متجاوز معروف به «عنکبوت زرد» که با سیردن وثیقه از زندان آزاد شده‌بود، روز گذشته حاضر به سرقت در جلسه دادگاه نشد. به گزارش خبرنگار ما، رستمستان سال ۹۴، زنی با مراجعه به پلیس از مردی به اتهام آزار و اذیت شکایت کرد و گفت: مدتی قبل یکی از دوستانم به نام یاسمین تماس گرفت و گفت: از سوی پسر جوانی مورد آزار قرار گرفته‌و آن پسر از او فیلم گرفته‌است. با آن جوان تماس گرفتم و خواستم فیلم را برگرداند. به این بهانه او را قرار گذاشتم، اما وقتی سر قرار رفتم به من هم تعرض کرد. وقتی ماجرا را برای دوستم نیلوفر که مربی باشگاه بدنسازی بود، تعریف کردم او قول داد فیلم من و یاسمین را از دست آن پسر خواهد گرفت. به این بهانه با آن جوان قرار گذاشتم، اما نیلوفر نیز به دام مرد شیطان صفت افتاد. حالا از ما سه نفر فیلم گرفته‌است و نگرانیم.

با طرح شکایت متهم ۲۵ساله که دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌معلمان بود، از طریق ردیابی شماره تلفن همراه شناسایی و دستگیر شد، هر گونه جرمی را انکار کرد. پرونده به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در آن جلسه متهم بار دیگر جرمش را انکار کرد و گفت هیچ کدام از شاکیان را مورد اذیت و آزار قرار نداده‌است و تنها رابطه دوستی داشته‌است. بعد از آخرین دفاع، متهم با قرار وثیقه از زندان آزاد شد و در ایام آزادی، چهارمین زن را مورد اذیت و آزار قرار داد. به این ترتیب پرونده صبح دیروز در همان شعبه روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی اصغرزاده و مستشار توکلی قرار گرفت. جلسه که به صورت غیرعلنی پشت درهای بسته برگزار شد، وکیل متهم به هیئت قضایی گفت: موکلم به دلیل بیماری نتوانست در جلسه حاضر شود. او شکایت شاکیان را قبول ندارد و هر گونه جرمی را انکار می‌کند. در ادامه بعد از آخرین دفاع، هیئت قضایی وارد شور شد تا به زودی حکم متهم را صادر کند.

فضای مجازی باعث شد

همسر م را بکشم

«همسر م را به خاطر استفاده بی‌رویه از فضای مجازی و تحرک بستگانش کشتم!»

این بخشی از دفاعیات تازه‌دادمادی است که سال گذشته همسر ۱۶ساله‌اش را با

ضربه آجر به قتل رسانده‌بود.

به گزارش خبرنگار ما، بیست و

ششم تیرماه سال ۹۵، مردی

هراسان با مراجعه به کلانتری

۱۲۴ قلهک به مأموران گفت:

«همسر ۱۶ساله‌ام را کشتم!»

او در توضیح بیشتر گفت: «هریم

را خیلی دوست داشتم و با هم

مشکلی نداشتیم. اختلاف ما

از زمانی شروع شد که او وارد

فضای مجازی شد. از طرفی

تحرک بستگانش سوهظن مرا نسبت به او بیشتر کرد. همه این کینه‌ها را شب گذشته تلافی کردم و مرتکب قتل مریم شدم.»
با این توضیحات، حمید ۲۳ساله به کلانتری ۱۱۹ مهرآباد – حوزه مربوطه به محل قتل – منتقل شد و از آنجا همراه تیمی از کارآگاهان به محل حادثه رفت. آنجا بود که مأموران با جسد خونین دختر جوانی روبه‌رو شدند که با ضربه آجر به سرش به قتل رسیده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، متهم در پلیس آگاهی تحت بازجویی قرار گرفت و در شرح ماجرا گفت:

«سال گذشته من و مریم با هم عقد کردیم و در تدارک جشن عروسی بودیم. خانواده‌ام در شهرستان زندگی می‌کردند، به همین خاطر خانهای اجاره کرده بودم و مریم هفته‌ای دو بار به خانها م می‌آمد. این مدت با هم مشکلی نداشتیم تا اینکه متوجه شدم او در فضای مجازی با افراد غریبه ارتباط دارد.»
متهم در ادامه گفت: «چندین بار به خاطر این موضوع با هم درگیر شده بودیم تا اینکه شب حادثه وقتی به خانها آمدن او گوشی‌اش را خواستم، اما طفره رفت. عصبانی شدم و با آجری که کنار در بود به سرش زدم. وقتی متوجه شدم مریم نفس نمی‌کشد از خانه بیرون آمدم و در خیابان‌هاهراسان و گریان پر سه می‌زدم تا اینکه به کلانتری قلهک رسیدم. آنجا بود که تصمیم گرفتم خودم را معرفی کنم.»

با اظهارات متهم و بازسازی صحنه جرم، پرونده تکمیل و به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح دیروز روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی زالی قرار گرفت. ابتدای جلسه اولیای او در خواست قاضی، سبب شکایت خود را در جابجگاه حاضر شد و با قبول اتهامش گفت: «خیلی مریم را دوست داشتم، و او همه زندگی ما بود. به عشق او صبح تا یک از خانه سسر کار می‌رفتم و در تارکی شب به خانه برمی‌گشتم. برای اینکه بیشتر با او ارتباط داشته باشم برای خرید گوشی خریدم و او را وارد فضای مجازی کردم، اما بعد از مدتی فهمیدم تعداد زیادی از افراد غریبه او را لایک کرده‌اند. سؤال کردم او جواب داد آنها را نمی‌شناسد. این گذشت تا اینکه روزی یکی از بستگانش به من گفت: بیشتر مراقب مریم و زندگی‌ات باش!

این حرف مرا حساس تر کرد تا حدی که چند بار کارم را رها کردم تا او تعقیب کنم.»
متهم در حالی که اشک می‌ریخت ادامه داد: «هر بار که با هم صحبت می‌کردیم مشکلمان حل می‌شد و کینه‌ها از دلمان بیرون می‌رفت، اما با دخالت و تخریب بستگانش بار بار اختلاف‌ها شروع می‌شد. حرف آنها روی من تأثیر می‌گذاشت و باعث می‌شد روز به روز بدبین تر شوم. این قضیه روح و روانم را به هم ریخته بود تا جائیکه سر کار مدام با خودم حرف می‌زدم و کلافه بودم.»

متهم برای توضیح شب حادثه در حالی که به سر و صورتش می‌کوبید، گفت: «شب دنبال مریم رفتم تا او را به خانها ببرم. بین راه ایستادم تا برای شام پیتزایخرم که متوجه شدم مریم برای دخترعموش فایل صوتی می‌فرستد. اعتیاد نکردم و وقتی به خانه رفتم بعد از شام کنار هم نشستیم. از او خواستم فیلمش را ببینم تا بفایل صوتی را بشنوم که طفره رفت و شروع به بدگویی از دخترعموش کرد. من که از قبل در مورد او حرف‌ها شنیده بودم، یکباره همه آن حرف‌ها زدم. دلم به زبانم آمد و او گله کرد.م گفت خود کنترل اشتباهان را داری. این حرف او را شوکه کرد و عصبانی شد. آن لحظه که متهم از خیابان می‌ورد. حدود ۲۰ دقیقه بعد به خانه برگشتم که به من خیانت کرده‌است. این افکار مرا به هم ریخت و ناخوسته آجری که کنار در بود را برداشتم و به سر او کوبیدم. متهم در ادامه گفت: صدای مریم قطع شد. نگاه کردم، دیدم در خون است. خون سر و صورتش را با لباس پاک کردم و بالای سرش نشستم و گریه می‌کردم. طاقت دیدنش را نداشتم به همین خاطر از خانه بیرون زدم و خودم را معرفی کردم.»
تازه داماد در آخرین دفاعش گفت: «سرمنده‌ام. خانواده همسرم برای من مثل خانواده خود بود و آنها خیلی مهربان بودند. از روی همه آنها مسرام. دفاعی ندارم و بابت جرم‌هایم برای زندگی نمی‌دارم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.